

# تحلیل کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده در اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

۱۳۳

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیست و یکم / شماره ۸۳ / پاییز ۱۴۰۰

\* نصرالله اسدی  
\*\* سیدرضا حسینی  
\*\*\* مصطفی کاظمی نجف‌آبادی

## چکیده

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که استحکام، ضعف، سلامت و فساد جامعه در گرو آن است. اسلام برخلاف مکتب سرمایه‌داری، امور معنوی (دین، اخلاق و ...) را در تشکیل خانواده اصل و اصالت بخشی به مادیات (مال و ...) را مردود می‌داند. عامل اصلی تشکیل خانواده، انتخاب همراه برای تکامل معنوی و هموار نمودن مسیر دستیابی به مقام قرب الهی است که اهداف دیگر (تربیتی، اقتصادی و ...) ذیل آن معنا می‌یابد. اسلام، تحلیل خانواده با ادبیات اقتصادی (حداکثرسازی منافع مادی) را موجب تنزل جایگاه و مانع از ایفای وظیفه اصلی آن می‌داند؛ زیرا مسائل مهم‌تری در تشکیل خانواده دخیل است که تحلیل اقتصادی از یافتن پاسخ کامل برای آن ناتوان است. یافته‌های پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی نشان می‌دهد که گرچه کارکردهای اقتصادی مذکور در اقتصاد متعارف به عنوان آثار و پیامدهای ازدواج مورد پذیرش است، اما کارکرد اصلی تشکیل خانواده کارکرد تربیتی آن است که در حوزه اقتصاد، از طریق تربیت نیروی متعهد انسانی، اصلاح رفتارهای اقتصادی، تأمین و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و افزایش امنیت اخلاقی - روانی جامعه منجر به بهبود وضعیت اقتصادی می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** خانواده، کارکرد اقتصادی، تربیت اقتصادی، اسلام.

\*. دکترای قرآن و اقتصاد، جامعه المصطفی (نویسنده مسئول). Email: nasrullahasadi@gmail.com.

\*\* عضو هیئت علمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. Email: srhoseini@rihu.ac.ir.

\*\*\* عضو هیئت علمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. Email: mostafakazemi@rihu.ac.ir.

## مقدمه

در اسلام، محبوب‌ترین بنای هستی خانواده است (صدوق، ۱۳۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳). اکمال ایمان (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۱۸) ترویج یگانه‌پرستی (صدوق، همان، ص ۳۸۲) و تربیت صحیح درگرو تشکیل آن است. با وجود آنکه تشکیل خانواده در دوران کنونی - با گسترش تجمل‌گرایی و تشریفات زاید - نیازمند صرف مخارج - قابل توجه - است، اما آموزه‌های اسلامی ازدواج را موجب فقرزدایی و بهبود وضعیت اقتصادی می‌داند؛ لذا ممکن است مقصود آموزه‌های موصوف چندان قابل درک نباشد؛ بنابراین تبیین به‌روز از کارکرد اقتصادی ازدواج در نصوص دینی، برای سیاست‌گذاران امور خانواده ضروری و برای آگاهی از منافع بالقوه ازدواج، ترغیب افراد و داشتن تحلیل صحیح اقتصادی، برای پویایی جامعه مفید است.

یکی از زمینه‌های اصلی بحث و تحقیق در علوم اجتماعی که در دوران معاصر به حریم تحلیل‌های اقتصادی وارد شد، نهاد خانواده است. هرچند برخی کتاب مارگارت رید (Margaret Reid) تحت عنوان اقتصاد تولید خانوار در ۱۹۳۴م را اولین کتاب در زمینه اقتصاد خانواده می‌دانند، اما تفسیر اقتصادی خانواده از اواخر قرن بیستم توسط اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو جدیت یافت و از آن زمان تجزیه و تحلیل اقتصادی به موضوعاتی که ظاهراً در محدوده اقتصاد در نظر گرفته نمی‌شد، گسترش یافت (Becker, 1992, p.38).

گری بکر (Gary S. Becker) از پیشگامانی است که در این عرصه صاحب آثار متعددی مانند تئوری ازدواج (۱۹۷۳)، سرمایه انسانی، باروری و رشد اقتصادی (۱۹۹۰)، نگاه اقتصادی به زندگی (۱۹۹۲) است. وی در سال ۱۹۹۲ به پاس همین فعالیت‌ها، موفق به دریافت جایزه نوبل شد و کارهای او سرمشقی برای دیگر اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی گردید. در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی نیز یک رشته مطالعات مهم در مورد درآمد خانواده، فقر و رفاه منتشر شد. یک طرح پیمایشی مشهور به نام گروه مطالعاتی تغییرات درآمد (Panel study of Income Dynamics) نمونه‌ای متشکل از ۵۰۰۰ خانوار را سال به سال کنترل می‌کرد تا افزایش و کاهش درآمدی آنها را با نمودار بررسی کند. پژوهشگران بارها

برخلاف انتظارشان دریافتند که تغییرات ساختار خانواده بر تغییرات بازار کار بر حسب تأثیر بر پویایی درآمد، به‌ویژه فقر و رفاه غلبه می‌کند. ازدواج، طلاق و فرزندآوری تفاوت بیشتری در زندگی بسیاری از مردم ایجاد کرده است تا پیداکردن یا ازدست‌دادن یک شغل بعد از آن؛ لذا اهمیت ساختار خانواده در رفتار اقتصادی بارها تأیید شد (هوفمن، ۱۳۹۰، ص ۷۷).

۱۳۵ اما در فضای اسلامی، بحث از آثار اقتصادی تشکیل خانواده به عنوان یک موضوع مستقل - با وجود تصریح نصوص دینی به نقش ازدواج در زدودن فقر و افزایش روزی - مورد تحقیق قرار نگرفته و موضوع جدیدی است که نگارندگان سابقه‌ای برای آن نیافته‌اند. تنها مقاله مرتبط در این زمینه «آموزش و منافع اقتصادی تشکیل خانواده: آزمونی از اثر بهره‌وری متقاطع» از وحید مهربانی است که با مطالعه موردی شهر تهران به بررسی نقش آموزش در درآمد زوجین پرداخته است.

لذا به نظر می‌رسد تحلیل اسلامی - اقتصادی موضوع تشکیل خانواده در دوران معاصر و بیان کارکردهای اقتصادی آن از طریق تشکیل کانون پرورش نیروی متعهد انسانی، انتقال ارزش‌های سازنده جامعه به نسل‌های بعدی و اصلاح رفتارهای اقتصادی و ... موجب آگاه‌سازی افراد از منافع بالقوه ازدواج و گسترش و تحکیم آن گردیده و زمینه پویایی جامعه اسلامی - به‌ویژه جامعه علمی - و پرهیز از الگوهای غیراسلامی را فراهم خواهد نمود. کمک به سیاست‌گذاران و قانونگذاران عرصه خانواده و ترغیب آنها به سمت سیاست‌ها و قوانین مشوق و تسهیل‌کننده تشکیل خانواده از دیگر آثار این نوع مطالعات است.

## روش تحقیق

بررسی موضوع (میان‌رشته‌ای بودن) با روش علوم انسانی و در قالب علم اقتصاد و نیز عرضه موضوع اقتصادی بر آموزه‌های اسلامی و گرفتن جواب از آن، مستلزم آن است که به مجموع انواع آموزه‌های اقتصادی (آموزه‌هایی که بیانگر مبانی حاکم بر رفتارهای اقتصادی یا بیانگر اهداف اقتصادی و ... است، توجه شود (سبحانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲).

لازمه این امر، انجام یک نوع تفسیر موضوعی است؛ از این رو استفاده از روش تفسیر موضوعی شهید صدر (استنطاق قرآن) در این گونه تحقیقات راهگشا است که شامل مراحل ذیل است: ۱. انتخاب موضوع از متن زندگی بشر (واقعیت عینی و ملموس در جامعه) نه از خود قرآن (روایات). ۲. دیدن دستاوردهای تجربی یا تجارب بشری و راه‌حلهایی که علوم تجربی ارائه نموده است. ۳. عرضه دستاوردهای علوم تجربی بر قرآن (روایات). ۴. استنطاق از قرآن (روایات) در خصوص موضوع مربوطه. ۵. رسیدن به نظر نهایی یا نظریه قرآنی (اسلامی) (شهید صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۳۳).

بر این اساس، انجام و پرداختن به چنین موضوعاتی با استفاده از روش نظریه زمینه (داده‌بنیاد= Grounded theory) با پارادایم حاکم تفسیرگرایی قابل تحقق است. نوع این تحقیقات از نوع کیفی و اکتشافی بوده و ماهیت آن از جنس واژگان است؛ زیرا در این روش که در علوم انسانی - اجتماعی کاربرد دارد، موضوع از پیچیدگی خاصی برخوردار و با استفاده از ابزارهایی مانند مصاحبه، مشاهده و اسنادکاوی باید تحلیل و توصیف گردد؛ برخلاف تحقیقات کمی که پارادایم حاکم بر آن اثبات‌گرایی است و با ابزارهای کمی (اعداد، ارقام و ... از طریق پرسشنامه) موضوع سنجیده و اثبات می‌شود. در این تحقیق ابتدا با کمک آیات و روایات مبانی و اهداف موضوع تعیین می‌شود و آن گاه اطلاعات و داده‌های دینی مرتبط با آن همراه با تبیین و تحلیل عقلی و منطقی آورده شده است.

## هدف تشکیل خانواده در اسلام و غرب

برای درک جایگاه خانواده و تبیین نوع نگاه مکاتب (اسلام و غرب) به آن، بررسی اهداف آن ضرورت دارد.

درک صحیح جایگاه خانواده منوط به درک صحیح حقیقت انسان (زن و مرد) است. برای شناخت صحیح انسان، بهترین منبع خالق او (خداوند متعال) است که از طریق وحی، حقایق وجودی انسان را بیان نموده و در روایات نیز تشریح شده است. از منظر آموزه‌های وحیانی، انسان - مرکب از جسم و روح - خلق شده است تا در پرتو معنویت‌گرایی به مقام

قرب الهی، کمال و سعادت دست یابد (ذاریات: ۵۶).<sup>۱</sup> هدف تشکیل خانواده نیز باید در همین چارچوب تحلیل گردد.

با مرور اجمالی آموزه‌های اسلامی، روشن می‌شود که اسلام برای تشکیل خانواده حکمت‌هایی مانند ایجاد آرامش، مودت و رحمت (روم: ۲۱)<sup>۲</sup> سازندگی اخلاقی، صیانت از گوهر دین و مانع‌شدن از گناه، تداوم نسل (مکارم، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۴۲)،<sup>۳</sup> گسترش آرمان توحید و خداپرستی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۲)<sup>۴</sup> و ... ذکر می‌کند، اما باید توجه داشت که تمام این امور را نمی‌توان به عنوان هدف غایی در نظر گرفت، بلکه موارد مذکور زمینه ساز تکامل معنوی جامعه است. یافتن هدف غایی اصلی‌ترین عنصر فهم نهاد خانواده است که همه بایدها و نبایدها بر اساس آن معنا می‌یابد. برخی هدف اصلی از تشکیل خانواده را «پرورش یافتن انسان صالح» می‌دانند که اهداف دیگر در راستای آن معنا و مفهوم می‌یابد (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۱، ص ۵۰). در حقیقت تشکیل خانواده یک امر مقدس و در راستای انتخاب یک همراه برای ایجاد بستر مناسب به منظور تکامل معنوی و هموار نمودن مسیر دستیابی به مقام قرب الهی است؛ لذا نصوص دینی معیار اصلی در ازدواج را معنویت، دیانت و اخلاق دانسته (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۴۷)<sup>۵</sup> و برجسته‌سازی و اهتمام زیاد به امور مادی نظیر مال، زیبایی و ... را ناپسند می‌دانند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۰۰).<sup>۶</sup>

اما در غرب، برخی نظریات فمینیستی در ضرورت زندگی در قالب خانواده تشکیک نموده (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷) و آن را مضر، ضد ارزش و در راستای قدرت‌طلبی و استثمارگری مردان می‌دانند (اچ‌بورک، ۱۳۸۵، ص ۵۶۰) یا ازدواج را مسئله یک‌جانبه می‌دانند

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».

۲. «... لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلْ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً».

۳. «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...».

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ ... تَنْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ».

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ فَرَوْجُوهُ».

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِجَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ».

که مرد همه چیز به دست می‌آورد و زن همه چیز را از دست می‌دهد، یا دیدگاه اعتدالی که ازدواج را نوعی ترتیبات اقتصادی می‌داند که میزان سرمایه‌گذاری زن و دستاورد او از محل قرارداد ازدواج خیلی کمتر از بیمه‌نامه‌های اقتصادی است (مشیرزاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸). البته ممکن است در برخی جوامع با پیشینه فرهنگی خاص یا تربیت نامناسب، خانواده به محیط نامناسب یا ظلم تبدیل شده باشد؛ اما بقای خانواده و شکست گرایش‌های مخالف آن در طول تاریخ، گواه آن است که ارزش‌هایی در درون آن نهفته است که با فطرت وجودی انسان هماهنگ است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۲۷).

آنچه امروزه در غرب به عنوان یک تفکر جریان دارد، برجسته‌سازی نگاه صرفاً مادی به تشکیل خانواده است. بکیر که به نحوی مبتکر بحث اقتصاد خانواده در معنای جدید آن (تحلیل اقتصادی) است، معتقد است که افراد با همسری که مطلوبیت آنها را به حداکثر برساند، ازدواج می‌کنند، بلکه فراتر از آن مسئله بازار ازدواج را مطرح می‌کند (Becker, 1974, p.300) که بر اساس آن ازدواج به منزله یک بنگاه اقتصادی منظور گردیده است که افراد در درون آن با چانه‌زنی به دنبال حداکثرسازی سودشان هستند (Agarwal, 1997). از منظر دیوید فریدمن، «ازدواج یک بنگاه اقتصادی و توافقی میان زن و شوهر است که سبب شراکت طرفین در درآمد یکدیگر، مسکن، التذاذ جسمی و نیز متمرکزشدن فعالیت‌های تولیدی مانند طبخ غذا، نظافت منزل، شستن ظروف و تربیت فرزندان در یک جا می‌گردد» (پایگاه اینترنتی تبیان، ۱۳۸۲/۰۷/۲۵).

ضمن پذیرش نقش زن و خانواده در توسعه و پیشرفت اقتصادی، تفاوت این نگاه با نگاه اسلامی که معتقد به قداست خانواده است و آن را کانون عاطفه، آرامش، تربیت و ... و زن را مهم‌ترین مربی انسان در خانواده می‌داند، نیز روشن است؛ لذا امروزه بسیاری از صاحب‌نظران غربی نیز عامل استحکام خانواده و راه‌حل جلوگیری از فروپاشی خانواده را بازگشت به تقدس آن می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

## مبانی بحث

رفتارهای آدمی - از جمله رفتار اقتصادی او - متأثر از جهان‌بینی اوست؛ لذا برای تحلیل رفتار فرد، باید مبانی مورد پذیرش او بررسی شود تا بتوان تفسیر درست از رفتارها و

تصمیمات او ارائه نمود؛ از این رو پیش‌فرض‌های مؤثر بر موضوع مقاله از منظر اسلامی و سرمایه‌داری به اختصار آورده می‌شود.

### ۱. مبانی فلسفی - اعتقادی

از آنجاکه مبانی فلسفی در تحقیقات مختلف بارها بحث و تبدیل به مشهورات شده است، برای پرهیز از طولانی‌شدن بحث و بازماندن تحقیق از موضوع اصلی آن، صرفاً جهت یادآوری، مبانی موصوف از منظر اسلام و مکتب سرمایه‌داری به صورت خلاصه در جدول ۱۴۹ ذیل منعکس می‌شود.

عنوان	اسلام	سرمایه‌داری (غربی)
خداشناسی	خداوند یگانه، خالق، رب، مالک، رازق و ... علت مُحدثه و مُبقیه تمام موجودات.	عدم دخالت خداوند در امور دنیایی و اتکا به خرد انسانی، برکنار و دست بسته از هر گونه نفوذ و فعالیت
انسان‌شناسی	انسان (زن و مرد) جانشین خداوند، دارای بُعد جسمی و روحی، برخوردار از استعداد های فراوان، دارای انواع ضعف که موجب عدم تصمیم‌گیری درست می‌گردد.	موجود بریده از وحی و خودبنیاد (دئیسم)، دارای اصالت در تعیین ارزش‌ها و قوانین (اومانیزم)، فائده‌گرا و لذت‌گرا
جامعه و فرد	رابطه متقابل داشته و هر کدام بر دیگری تأثیرگذار است.	اصالت فرد و ترجیح و تقدم آن بر جمع در صورت تراحم
تفسیر سعادت	شامل امور مادی و معنوی و دوره دنیایی و آخرتی	انحصار خوشبختی در مادیات و لذت و رنج در زندگی دنیوی
معرفت‌شناسی	عدم انحصار معرفت در شناخت حسی. شناخت تجربی مقدمه شناخت عقلی و آن مقدمه شناخت و حیانی است.	انحصار علم در محسوسات و معتبر ندانستن وحی
جهان‌شناسی	موجودات شامل مادی و غیرمادی، همه مخلوق خداوند و هر کدام مؤثر بر دیگری و دوره حیات نیز شامل دنیا و آخرت است.	انحصار جهان در طبیعت، ماده و زندگی دنیایی و انکار موجودات و علل مجرد و جهان آخرت

## ۲. مبانی ارزشی - اخلاقی

از آنجاکه برخی از رشته‌های علوم انسانی مانند اخلاق اساساً ماهیت ارزشی دارند (شریفی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲) و برخی دیگر به درجات متفاوت متأثر از ارزش‌ها هستند و ارزش‌های مورد پذیرش دانشمندان خواسته یا ناخواسته بر علوم تأثیرگذارند، ضروری است مبانی ارزشی - اخلاقی تأثیرگذار بر موضوع بحث از منظر اسلام و سرمایه‌داری ذکر شود. البته



منظور مقایسه جوامع اسلامی و غربی نیست؛ - زیرا در غرب هم رفتارهای درست مانند احترام متقابل، خیرخواهی و ... وجود دارد - بلکه منظور آن است که نظام سرمایه‌داری مبتنی بر ارزش‌ها و فروزی است که تنها در جوامعی که این ارزش‌ها حاکم است، قابل قبول و اجراست.

## ۲-۱. از منظر اقتصاد متعارف

### الف) نگاه ابزاری به زن و خانواده

قبل از انقلاب صنعتی که ملل غرب، مراحل ساده زندگی را طی می‌کردند ... زنان تربیت و پرورش کودکان خویش را بر هر چیز ترجیح می‌دادند ...؛ اما بعد از انقلاب صنعتی تفرقه و جدایی میان اعضای خانواده پدید آمد (موسوی لاری، ۱۳۹۱، ص ۹۴). ورود زنان به بازار کار، موقعیت و جایگاه آنان را در خانواده تضعیف نمود. امروزه در غرب زن به جای اینکه الگویی برای فرزندان خود باشد و با حضور خود به کانون خانواده آرامش ببخشد، به مانکن تبلیغاتی سرمایه‌داران تبدیل شده است و هر روز نیاز جدیدی را برای افراد از طریق تبلیغ و مُدگرایی ایجاد می‌کند (بافکار، ۱۳۸۰، ص ۵۳).

در فضای اقتصادی - تجاری در غرب معاصر، استفاده ابزاری از زنان در قالب استفاده از نیروی کار ارزان زن تا استخدام تصاویر بدن و اندام (سکس‌گونه و برهنه) او در تبلیغات و رسانه‌ها نمود آشکاری یافته و همچنان در یک سیر فزاینده ادامه دارد. بر اساس مبانی نظام سرمایه‌داری - و اصل لذت‌گرایی بتنامی - هدف غایی کسب بیشترین سود و لذت است. در بُعد عملی این مسئله، از طریق بالابردن سطح تولیدات، عرضه بیشتر کالاهای تجملاتی، تحریک انگیزه خرید در مصرف‌کنندگان، برای فروش بیشتر قابل تحقق است و زنان را بهترین وسیله برای این منظور در نظر گرفته‌اند (واکر، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹).

در فرهنگ سرمایه‌داری غربی و به‌ویژه در تبلیغات رسانه‌ای زنان مهیاکننده لذت بینندگان‌اند. آنها آماده و رضایتمند به‌سان موجوداتی بی‌اراده، مانکن‌گونه با قیافه‌های عشوه‌گرانه نمایش داده می‌شوند که هرگز با شمایل یک انسان باکرامت و دارای اراده سازگار نیست. وضعیت زنان در تبلیغات همان وضعیتی است که تاچمن «فناسازی نمادین زنان» خوانده است؛ به عبارت دیگر، پیام‌های بازرگانی در کشورهای غربی ارزش‌های

اجتماعی حاکم را منعکس می‌کنند که بر اساس آن زنان مهم نیستند؛ مگر در خانه و حتی در خانه نیز مردان داناترند و این نکته‌ای است که از صدای گوینده مرد در تبلیغ زنانه نتیجه می‌شود (استریناتی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۸).

همچنین در این تبلیغات، نگاه ابزاری به زن - به عنوان مهم‌ترین گروه مصرف‌کننده - و نیز استفاده از زیبایی ظاهری او برای مُدل قرار دادن و ... نمود (و ظهور) دارد (همان)؛ از این رو بسیاری از فروپاشی و بحران خانواده سخن گفته‌اند و عمده‌ترین راه‌حل آن را نیز بازگشت به تقدس خانواده دانسته‌اند (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

### ب) نگاه مادی و اقتصادی به نهاد خانواده

امروزه در غرب، در قالب مفهوم جدید اقتصاد خانواده، رهیافت متفاوتی به تشکیل خانواده وجود دارد و آن تحلیل اقتصادی ازدواج است. در این رهیافت افراد زمانی ازدواج می‌کنند که نسبت به حالت مجردبودن در موقعیت بهتری قرار گیرند (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۲۹۹). اقتصاد خانواده در معنای جدید، توضیحی است از تصمیم‌گیری و حداکثرسازی مطلوبیت توسط خانواده (Mattila-Wiro, 1999, p.9). در این تحلیل افراد با استفاده از نظریه رجحان‌ها تنها زمانی ازدواج می‌کنند که منافع (مادی) شان تأمین گردیده و مطلوبیتشان افزایش یابد (هوفمن، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

در این نظریه، تصمیم ازدواج و روابط خانوادگی همانند نظریه سستی بنگاه‌های تجاری تحلیل می‌شود؛ همچنان‌که بنگاه در پی حداکثرساختن سود خود است، خانواده نیز برای حداکثرسازی مطلوبیت خود از طریق تخصیص شدن کارها عمل می‌کند.

در این مفهوم از اقتصاد خانواده، هزینه‌ها و منافع به صورت مالی و نقدی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، بلکه تمرکز روی هزینه و سود حاشیه‌ای است که تجزیه و تحلیل اقتصادی را ممکن می‌کند؛ برای مثال، فرزندان - علاوه بر بُعد عاطفی و لذتی که عاید والدین می‌کنند - به عنوان سرمایه‌های اقتصادی به خصوص به عنوان پشتیبانان والدین در دوران کهولت به حساب می‌آیند (Becker and Barro, 1986, p.41).

## ۲-۲. از منظر اسلام

### الف) تقدس نهاد خانواده

در قرآن کریم عبارت «میثاق غلیظ» در مورد پیوند زناشویی به کار رفته است (نساء: ۲۱)<sup>۱</sup> که بیانگر آن است که میثاق همسری از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری است. قداست خانواده در بردارنده معنای اخلاقی است. برخلاف برخی دیدگاه‌ها که قائل به ارزش ابزاری یا حتی ضد ارزشی بودن خانواده است، از منظر اسلام خانواده ارزش بنیادین دارد و در جهت کمال انسان است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵). خانواده محبوب‌ترین بنیان هستی در اسلام است<sup>۲</sup> (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳)؛ بنابراین، رویکرد اسلام به خانواده، ارزش محور است.

۱۴۳ فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / تحلیل کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده ...

برخی اندیشمندان اسلامی علت تقدس ازدواج را عبور از خوددوستی به سوی غیردوستی می‌دانند؛ زیرا بعد از ازدواج، «من» فردی تبدیل به «ما» می‌گردد. تأهل تربیت دهنده روح انسان است. یک نوع پختگی و کمال هست که تنها به وسیله تأهل به دست می‌آید (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۳، ص ۵۹۵).

امروزه، قداست‌زدایی از کانون خانواده خطر جدی است که جامعه را تهدید می‌کند؛ لذا اسلام به دلیل ارزش‌گذاری معنوی، تحکیم خانواده و پیشگیری از فروپاشی آن، بر تقدس بخشی به خانواده و ازدواج که زیربنای تمام نهادهای ارجمند است، تأکید نموده تا از سوءاستفاده ابزاری از زن (وسیله التذاذ و سودجویی‌بودن) نیز جلوگیری شود (ری‌شهری، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

### ب) خانواده وسیله آزمایش

از منظر قرآن، خانواده و دارایی‌ها وسیله امتحان انسان در مسیر اطاعت از پروردگار عالم‌اند (انفال: ۲۸ و تغابن: ۱۵)<sup>۳</sup> و لذا در برخی آیات از همسران و فرزندان (خانواده) به عنوان

۱. «وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا».

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَا بُنِيَ بِنَاءَ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّرْوِيجِ».

۳. «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...».

دشمن (سبب انحطاط) انسان یاد شده‌اند (تغابن: ۱۴).<sup>۱</sup> مرعوب‌نشدن در برابر بهره‌مندی کفار از اموال و اولاد (توبه: ۵۵ و ۸۵)<sup>۲</sup> و مظاهر زودگذر دنیایی و وسیله ابتلا دانستن آن نیز مورد تأکید قرآن است (طه: ۱۳۱)؛<sup>۳</sup> زیرا قرآن ملاک برتری و تقرب به خدا و رسول را تقوا می‌داند نه اموال و اولاد (حجرات: ۱۳ و کهف: ۴۶)؛<sup>۴</sup> لذا قرآن هشدار می‌دهد که اگر خانواده، بستگان، اموال و تجارت (شغل) شما از خدا، رسول خدا و جهاد در راه خدا نزد شما محبوب‌تر باشد، باید منتظر عذاب و تنبیه از سوی او باشید (توبه: ۲۴).<sup>۵</sup> خانواده و اموال نباید خللی در خدامحوری و یاد خداوند ایجاد نماید؛ زیرا موجب زیان شما می‌گردد (منافقون: ۹)؛<sup>۶</sup> بنابراین مبنای قرآن در تمام زمینه‌ها (خانواده، اموال و ...) خدامحوری، فضیلت‌گرایی و ارزش‌مداری است نه تفاخر، تکاثر و مادی‌گرایی.

## ۲. کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده

خانواده کارکردهای متعدد تربیتی، اقتصادی و ... دارد (بستان، ۱۳۸۳، ص ۶۷). برخی خانواده را یک نهاد اقتصادی دانسته‌اند (گروه مؤلفان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۸)؛ زیرا به عنوان یک واحد اقتصادی فعالیت داشته (صمدی، ۱۳۸۶، ص ۸۸) و اعضای آن برای تأمین نیازهای معیشتی با یکدیگر همکاری می‌کنند. هرچند امروزه در جوامع صنعتی خانواده کارکرد اقتصادی خود در بُعد تولید را از دست داده و به صورت واحد مصرفی درآمده است (کوئن، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶ / تافلر، ۱۳۸۴، ص ۶۱).

باین‌حال، کارکرد اقتصادی را باید به عنوان یک اثر فرعی تلقی نمود و نمی‌توان آن را به عنوان عامل اصیل و مسلط در امر ازدواج در نظر گرفت؛ زیرا مسائل مهم‌تر و عمیق‌تری

۱. «... إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ».

۲. «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ...».

۳. «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ».

۴. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا \* إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».

۵. «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ... وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ... فَتَرْبِصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ».

۶. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...».

در تشکیل خانواده دخیل است که تحلیل اقتصادی از یافتن پاسخ کامل برای آن ناتوان است. عامل اصلی ازدواج، انتخاب یک همراه برای ایجاد بستر مناسب به منظور تکامل معنوی و هموار نمودن مسیر دستیابی به مقام قرب الهی است که اهداف دیگر (تربیت انسان صالح، رسیدن به آرامش (روم: ۲۱) و ...) در راستای آن معنا می‌یابد.

## ۲-۱. منطق تحلیل کارکرد اقتصادی در اقتصاد متعارف

با توجه با آنکه موضوع این بحث بررسی و تحلیل کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده است، لازم است قبل از پرداختن به تبیین آثار اقتصادی تشکیل خانواده به سازوکار و منطق چنین تحلیلی به اختصار پرداخته شود.

در اقتصاد سرمایه‌داری منطق تحلیل اقتصادی - از جمله تحلیل کارکرد اقتصادی تشکیل خانواده - با منافع مادی و دنیوی گره خورده است؛ از این رو عقلانیت ابزاری، انسان‌محوری، طبیعت‌گرایی، لذت‌گرایی، فردگرایی (نفع شخصی)، همراه با روح کلی مادی‌گرایی و دنیاگرایی به عنوان مبانی تحلیل اقتصادی منظور گردیده و بر اساس آن، عقل تأمین‌کننده شهوات نفسانی، انسان قادر به تشخیص همه چیز، طبیعت حاکم بر اشیاء و لذت‌جویی (مادی) هدف شمرده می‌شود که تنها از مصرف فردی (نه دیگران) حاصل می‌شود. هر آنچه منجر به افزایش لذت گردد خوب و هر آنچه سبب کاهش آن شود، بد است (کاپلستون، ۱۳۷۰، ج ۵، ص ۱۴۱). همچنین دوره زندگی منحصر در دنیا و دایره شمول آن تنها مادیات است و زندگی اخروی و امور غیرمادی (معنوی) جایگاهی ندارد. معرفت منحصر به محسوسات بوده و از آموزه‌های راهگشای وحیانی در تشخیص منافع و مصالح حقیقی خبری نیست.

از این رو، به منظور شناخت نوع نگاه مکتب سرمایه‌داری به آثار اقتصادی تشکیل خانواده، ادبیات موجود در این زمینه در اقتصاد متعارف به‌طور خلاصه آورده می‌شود.

### الف) تقسیم خطر

یکی از دستاوردهای اقتصادی تشکیل خانواده در اقتصاد متعارف، تقسیم ریسک میان اعضاست. از آنجاکه افراد با خطر درآمد فردی مواجه هستند، انگیزه بالایی برای

۱. «... لَسْتُمْ كُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً».

فراهم ساختن شرایطی دارند که در آن به نوعی بتوانند خطرات احتمالی را کاهش داده و در مقابل موارد ریسک‌آفرین، بیمه شوند (گروه مؤلفان، ۱۳۹۲، ص ۳۵۸). چنین هدفی در قالب خانواده تا حدودی تأمین می‌گردد؛ زیرا زوجین برای همدیگر به صورت نوعی منبع بیمه کوچک در قبال موارد پیش‌بینی‌نشده زندگی عمل می‌کنند. منابع اقتصادی در ازدواج به اشتراک گذاشته می‌شوند، اشتراک منابع سبب کم‌شدن خطر کاهش درآمد یکی از شرکا (بر اثر بیکاری، حوادث و ...) می‌گردد. تقسیم خطر اُفت درآمدی را می‌توان یکی از توجیحات فزونی ازدواج در میان افراد فقیر دانست - برخلاف ثروتمندان که غالباً دیر تن به ازدواج می‌دهند - (هوفمن، ۱۳۹۰، ص ۱۰۶). از لحاظ فردی، درآمد پایین به استاندارد پایین زندگی منتهی می‌شود و در صورت بیکار شدن فرد، خطر کاهش شدید استاندارد زندگی پیش می‌آید. در مجموع دو درآمد پایین، استاندارد بهتر زندگی را فراهم می‌کنند که ناشی از وجود صرفه مقیاس و بیمه در قبال کاهش کامل درآمد است (Browning, 2011, p.91).

### ب) حل مسئله اصیل - عامل

حل چالش اصیل - عامل، یکی دیگر از کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده در اقتصاد متعارف است. اصیل در برابر عامل، فردی است که دیگری را برای انجام امری استخدام می‌کند؛ مثلاً یک کارفرما به عنوان اصیل، یک کارمند (عامل) را به کار می‌گیرد تا کاری یا خدمتی را برای او انجام دهد. فردی که به پزشک، وکیل یا تعمیرکار مراجعه می‌کند، یک اصیل و در مقابل، آن پزشک، وکیل یا تعمیرکار عامل است. در این موارد شخص اصیل از عامل انتظار دارد که بیشترین سود یا کمترین هزینه را نصیبش کند.

ارتباط این مسئله با ازدواج این است که یکی از ویژگی‌های زندگی حاصل از ازدواج، فراهم کردن کالاهایی برای طرف مقابل به صورت مبادلات غیربازاری است؛ یعنی با اینکه در زندگی مشترک هیچ کدام از زوجین به‌طور شفاهی به دیگری نمی‌گویند که مثلاً خانه را تمیز کن، مسکن تهیه کن و ...، اما تمام این دادوستدها به‌طور ضمنی در آن وجود دارد. زندگی خانوادگی کاملاً با دیگر قراردادها متفاوت است؛ زیرا غالباً در قراردادها مسئله اصیل - عامل مطرح است.

نهاد ازدواج - به‌ویژه ازدواج مبتنی بر احترام متقابل، اهداف و ارزش‌های مشترک - راه‌حلی برای این مشکل است. گرچه اختلاف سلیقه میان زوجین در تصمیمات و رفتارها

وجود دارد، اما مشکلات اساسی ناشی از مسئله اصیل - عامل، بسیار کمتر پیش می‌آید (هوفمن، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱)؛ زیرا فرد اصیل یا عامل وجود ندارد، بلکه زوجین هر دو اصیل هستند که به‌طور مشترک تولید و مصرف نموده و به رفاه همدیگر اهتمام می‌ورزند - به‌ویژه در فرهنگ اسلامی که همکاری و تعاون اصل اساسی میان اعضای خانواده است -

### ج) صرفه‌جویی‌های مبتنی بر مقیاس

از منظر اقتصادی، در صورتی که افزایش محصول با افزایش هزینه متوسط بلندمدت بنگاه ۱۴۷ همراه نباشد، صرفه‌جویی به مقیاس وجود دارد (فلیپس، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹).

تشکیل خانواده، موجب صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید و مصرف می‌گردد (گروه مؤلفان، ۱۳۹۲، ص ۳۵۸)؛ زیرا همزمان با آن، اعضا افزایش می‌یابد و هزینه‌ها نیز باید افزایش یابد؛ اما در عمل، در بسیاری از مصارف (مسکن و ...) و لوازم زندگی (یخچال و ...) صرفه‌جویی می‌شود؛ لذا برخی نظریه بکر مبنی بر افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های زوجین بر اثر ازدواج را نظریه بسیار درستی می‌دانند (کاظمی‌پور، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱، [www.shakhesonline.ir](http://www.shakhesonline.ir)).

در آمریکا برای محاسبه تعداد افراد فقیر از این دست صرفه به مقیاس خانگی استفاده شده است. خانواری که درآمد کمتری از سطح درآمدی مشخصی به نام آستانه فقر (Poverty threshold) دارد، فقیر است. آستانه فقر بسته به ابعاد هر خانوار تعدیل می‌شود و برای هر اندازه خانوار، آستانه فقر متناسب با آن وجود دارد؛ مثلاً در سال ۲۰۰۱ آستانه رسمی فقر در افراد مجرد میانسال (زیر ۶۵ سال) ۹۲۱۴ دلار بود؛ درحالی‌که در خانواده دونفری، آستانه فقر ۱۱۹۲۰ دلار بود، یعنی  $\frac{28}{7}$  درصد بیشتر (به جای دو برابر) از مقداری که در نبود صرفه به مقیاس وجود داشت. همچنین آستانه فقر در خانوار چهارنفری، به جای ۱۰۰ درصد (در نبود صرفه به مقیاس) حدود ۵۰ درصد افزایش می‌یابد (هوفمن، ۱۳۹۰، ص ۱۰۵).

## د) ازدواج و تخصیصی سازی<sup>۱</sup>

افزایش بهره‌وری از طریق تخصیصی‌سازی از دیگر مزایای ازدواج است. بکر به‌ویژه این را هنگام در نظر گرفتن دستاوردهای ازدواج مورد تأکید قرار داده است (Browning, 2011, p.87). در این مدل، ازدواج به مثابه اتحاد دو نفره با میزان تولید متفاوت هر کدام است که در آن، مرد آقای M و زن خانم F نامیده می‌شوند. در این خصوص، دو حالت متصور است.

### یک) ازدواج دو همسان اقتصادی

ابتدا فرض می‌شود آقای M و خانم F از لحاظ بهره‌وری تولید خانگی و بازاری دقیقاً یکسان هستند و منحنی امکانات تولید آنها مانند یکدیگر است؛ یعنی  $W_M = W_F$  و  $h_M = h_F$ . در این رابطه، W میزان دستمزد (بازاری یا خانگی) زوجین و h ساعت کار (در بازار یا خانه) هر کدام از زن و شوهر است.

جهت ملموس‌تر کردن تحلیل از اعداد استفاده می‌شود. فرض کنید که هر کدام از زوجین می‌توانست ۱۰ واحد کالای بازاری یا ۱۰ واحد کالای خانگی تولید کند. منحنی تلفیقی آنها چند حالت می‌توانست داشته باشد.

الف) تولید ۲۰ واحد کالای بازاری (اگر هر دو تمام وقت خود را صرف تولید در بازار کنند).

ب) تولید ۲۰ واحد کالای خانگی (اگر هر دو تمام وقت خود را صرف تولید کالای خانگی کنند).

ج) تولید ۱۰ واحد کالای بازاری و ۱۰ واحد کالای خانگی (در اشتغال یکی در خانه و دیگری در بازار).

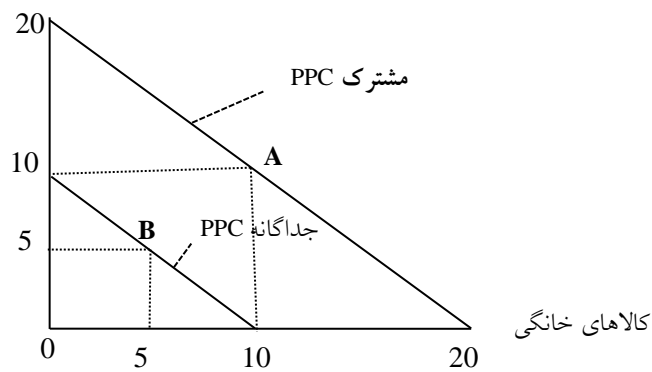
د) هر کدام ۵ واحد کالای بازاری و ۵ واحد کالای خانگی (با تقسیم وقت هر کدام در خانه و بازار) تولید کنند.

<sup>۱</sup>. در این زمینه شقوق مختلفی مطرح است که در کتاب زنان و اقتصاد - خانواده، کار و درآمد، ص ۸۹-

۱۰۱ به تفصیل بحث شده است.



کالاهای بازاری



شکل ۱: منحنی امکانات تولید تلفیقی در صورت تولید یکسان آقای M و خانم F

در این حالت آقای M و خانم F با تلفیق مهارت‌های خود از طریق ازدواج و سهیم نمودن تولیداتشان، دارا تر نشده‌اند. آنها به مقداری می‌رسند که به‌تنهایی نیز به آن می‌رسیدند.

### دو ازدواج، هنگامی که بهره‌وری متفاوت است

در حالت عدم یکسان بودن بهره‌وری، کالای خانگی برای خانم F ارزان و کالای بازاری گران و برای آقای M قضیه عکس است؛ لذا تلفیق و تخصصی‌سازی برای هر دو مقرون به‌صرفه است؛ زیرا هر کدام از جایی که چندان فعال نیست به جایی که بیشتر فعال است، می‌پردازد و در حوزه‌ای که مولدتر است، تخصص پیدا می‌کند؛ بنابراین اگر آن دو نیروهای خود را با هم ترکیب کنند و سپس آنچه را به دست می‌آورند، یکسان تقسیم کنند، هر دو وضعیت بهتری از طریق تلفیق نیرو و تخصصی‌سازی پیدا می‌کنند؛ زیرا مثلاً آقای M می‌تواند کالای خانگی را از خانم F بگیرد که آن را با قیمتی کمتر از قیمت کالای بازاری آقای M تولید می‌کند و خانم F نیز کالای بازاری را از آقای M بگیرد که با قیمتی کمتر از قیمت کالای خانگی تولید می‌کند.

این مسئله، نکته اساسی (سود در ازدواج بر اساس مزیت نسبی) این تحلیل را تغییر نمی‌دهد؛ اما مجموعه احتمالات دیگری را پیش رو قرار می‌دهد. شاید یکی از طرفین

ازدواج که قدرت بیشتری داشته باشد، بتواند بیشتر از این مزایا استفاده کند و دیگری نسبت به شرایط مجرد بودن وضعیت بهتری پیدا نکند.

احتمالاً، یک دلیل برهم خوردن ازدواج‌ها عدم توزیع متعادل مزایای مادی ازدواج است؛ لذا ازدواج باید بر مبنای دیگری بنا شود. زوجین نمی‌توانند تنها بر افزایش بیشتر استانداردهای مادی ازدواج تکیه کنند.

بر این اساس، نظر اسلام مبنی بر اصل قراردادن امور معنوی نظیر دین و اخلاق (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۰۰)<sup>۱</sup> در ازدواج، نه امور مادی نظیر مال، زیبایی و ... بیشتر درک می‌شود و موضوع بازگشت ازدواج و خانواده به تقدس خود مطرح می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). بنابراین، «گرچه تأکید بیش از اندازه بر تأمین نفع شخصی منجر به رشد شتابان اقتصادهای غربی گردید، اما کمکی به تحقق پنداره اجتماعی مبنی بر به فعلیت رساندن همه آرمان و اهداف هنجاری نمود، بلکه منجر به ثمره تلخی گردید که برخی از آن به «آشوب بزرگ» تعبیر می‌کنند که اشاره به فروپاشی خانواده دارد» (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۷۸).

## ۲-۲. منطق تحلیل کارکرد اقتصادی در اقتصاد اسلامی

با توجه به آنکه در اسلام منافع و مصالح فراتر از مصادیق مادی و دوره زندگی نیز فراتر از دوره دنیایی است، لذا منطق تحلیل اقتصادی - از جمله تحلیل کارکرد اقتصادی تشکیل خانواده - در اقتصاد اسلامی نیز با اقتصاد متعارف متفاوت - و مبتنی بر مبنای متعالی مورد پذیرش مکتب اسلام - است. در مکتب اسلام بر خدامحوری به جای انسان‌محوری، هم‌گرایی به جای فردگرایی، آخرت‌گرایی به جای دنیاگرایی و جمع میان معنویات و مادیات به جای مادی‌گرایی تأکید می‌شود؛ بدین ترتیب مبنای موصوف از جامعیت و کمال مناسبی برخوردار است؛ زیرا علاوه بر امور مادی، امور معنوی و علاوه بر زندگی زودگذر دنیایی، زندگی پایدار اخروی (اعلی: ۱۷)<sup>۲</sup> را نیز پوشش داده و همچنین علاوه بر منافع فرد، منافع جمع را نیز تأمین می‌نماید. در اقتصاد اسلامی منابع معرفت متعدد بوده و علاوه بر معرفت حسی، از معرفت عقلی و وحیانی نیز در تشخیص منافع و مصالح (مادی، معنوی، دنیوی و

۱. قال رسول الله ﷺ: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَصُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ».

۲. «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى».

اخروی) بهره گرفته می‌شود؛ از این رو، وجود مبانی موصوف، منطق تحلیل اقتصادی اسلام را تبدیل به یک منطق کامل و جامع (مادی، معنوی، دنیوی و اخروی) نموده است که سعادت حقیقی انسان را به دنبال دارد.

گرچه مواردی که در ادبیات اقتصاد متعارف به عنوان دستاوردهای تشکیل خانواده ذکر گردید، غالباً صحیح است و با آموزه‌های اسلامی نیز ناسازگاری ندارد، اما با توجه به جایگاه رفیع خانواده در اسلام و منطق تحلیل اقتصادی اسلام، مسائل و کارکردهای مهم‌تر نهاد خانواده - حتی با نگاه اقتصادی - مغفول مانده است که به صورت زیر می‌توان تبیین نمود.

### الف) تربیت انسان اقتصادی (نیرو یا سرمایه انسانی)

مهم‌ترین کارکرد اقتصادی خانواده کارکرد آن در زمینه تربیت نیروهای مولد جامعه است؛ زیرا خانواده در ایجاد، رشد و تنظیم رفتار و شخصیت فرزند نقش اساسی دارد (بنگستون، ۱۳۹۲، ص ۵۲۶). خانواده اولین و بادوام‌ترین معلم (عامل) در تکوین شخصیت کودکان است (مک‌گراو، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳).

واژه تربیت از ریشه «ربو» به معنای رشد دادن است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۰۴) که در هر دو بُعد مادی و معنوی به کار رفته و علاوه بر بُعد کمی بر بُعد کیفی نیز تأکید دارد. مراد از تربیت در آموزه‌های اسلامی پرورش دادن استعدادهای مادی و معنوی و سوق دادن آن به سوی اهداف و کمالاتی است که خداوند متعال برای وصول به آن اهداف در وجود آدمی قرار داده است (صانعی، ۱۳۸۰، ص ۱۲). خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت اجتماعی، مؤثرترین عامل نفوذ ارزش‌های جامعه در شخصیت افراد است. محیط سالم خانواده، رشد عاطفی، بازدهی و بهره‌وری بهتر و بیشتر خانواده را در پی دارد (شیخی، ۱۳۸۰، ص ۸۲) و با حرکت مطلوب و سازمان‌یافته خود می‌تواند الگوی مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در اعضای خود ایجاد نماید.

در ادبیات امروزی اقتصاد مراد از تربیت اقتصادی برنامه‌ها و اقداماتی است که کشورها برای فرهنگ‌سازی رفتارهای مطلوب در حوزه اقتصاد به اجرا در می‌آورند تا افراد به مهارت تفکر اقتصادی مجهز گردیده و ضمن بهره‌مندی از یک منطق فکری، قابلیت و توانایی تحلیل شرایط مختلف اقتصادی، تصمیم‌گیری و انتخاب بهینه را داشته باشند

(طغیانی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۱، ص ۵۵). در تعریف اسلامی تربیت اقتصادی نیز گفته شده است: ایجاد آمادگی‌های لازم در متربی، به نحوی که ضمن شناخت استعداد اقتصادی خود، بتواند آن را به بهترین وجه شکوفا نموده و با اتخاذ میانه‌روی، از منابع موجود به نحوی بهره‌برداری کند که ممکن و میسر باشد و در طریق توزیع، تولید و مصرف، شریعت الهی را در نظر داشته باشد و همه اینها را برای قرب به خدا و کسب رضای او به انجام رساند (ایمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

در اسلام، خانواده مهم‌ترین محیط و زن اصلی‌ترین مربی است که علاوه بر حضور شایسته و توأم با رعایت شأن در اجتماع، نقش اساسی تربیت انسان (مهم‌ترین عامل پیشرفت) را بر عهده دارد.

در آموزه‌های قرآنی نیز تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد که تفصیل آن در این مجال قابل طرح نیست؛ اما تأکید قرآن بر صفت برجسته «رب» از میان صفات متعدد خداوند و برجسته‌کردن بُعد تربیت‌کنندگی پدر و مادر (اسراء: ۲۴)<sup>۱</sup> و تأکید بر ترکیه (بقره: ۱۲۹)<sup>۲</sup> و ذکر آن به عنوان یکی از اهداف بعثت انبیاء (جمعه: ۲)<sup>۳</sup> نشان‌دهنده اهتمام به تربیت است. علامه طباطبایی، روش مورد رضایت الهی درباره زنان را تدبیر امور منزل، تربیت فرزندان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۵۱).

در حوزه اقتصاد نیز کارکرد اساسی تشکیل خانواده کارکرد تربیت اقتصادی آن است؛ زیرا داشتن نیروی متعهد مهم‌ترین عامل پیشرفت اقتصادی است و وجود نیروی متعهد انسانی موجب تحرک و شکوفایی دیگر بخش‌های اقتصادی و تأمین و تثبیت ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد می‌گردد.

به دلیل اهمیت نقش زن و خانواده در تربیت است که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «خانواده واحد بنیادین جامعه، کانون اصلی رشد و تعالی انسان و زن از حالت «شیء بودن» و «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده

۱. «... وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي».

۲. «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ ... وَ يُزَكِّيهِمْ».

۳. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ».

و دارای وظیفه خطیر و پُراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی و در دیدگاه اسلامی صاحب ارزش و کرامتی والاتر» (مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۷۷، ص ۲۵) دانسته شده است.

هرچند تربیت اقتصادی در خانواده با طرق مختلف (نکوهش راحت‌طلبی، تشویق فرزندان به کار و تلاش، سخاوت و انفاق، میانه‌روی (عدم اسراف و تقتیر) و ...) می‌تواند انجام شود، اما مؤثرترین شیوه، عملکرد و پایبندی عملی والدین به موارد مذکور است (مححص، ۱۳۹۳، ص ۷۴).

همچنین، خانواده در گرایش جوانان به مصرف و مُدگرایی می‌تواند نقش پیشگیری (نظارت بر نحوه پوشش و آرایش فرزندان، ارائه الگوهای مناسب، آموزش معیارهای آراستگی اسلامی و ...)، اصلاح (از طریق اصلاح محیط خانواده، تبیین حقیقت امور و تصورات مغالطه‌آمیز غربی)، تحریک انگیزه‌های ایمانی (با استفاده از فضاهای معنوی همچون مساجد، هیئات مذهبی و ...) و موعظه‌گری یا ناصح مشفق را به‌خوبی ایفا نموده و رفتار درست را در فرزندان نهادینه نماید (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲).

### یک) تربیت توحیدی عامل اصلاح رفتارهای اقتصادی

تربیت توحیدی به عنوان مهم‌ترین ثمره تشکیل خانواده در اصلاح رفتارهای اقتصادی یا پیاده‌سازی ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد نقش مؤثری دارد؛ زیرا انسان تربیت‌شده در مکتب توحیدی در پرتو تصریح نصوص دینی خود را موظف به رعایت عدل و احسان (نحل: ۹۰)<sup>۱</sup> هنجارها و معیارهای ایجابی و سلبی در حوزه‌های مختلف اقتصادی می‌داند. رعایت معیارهای مثبت و منفی توسط انسان مسلمان در حوزه مصرف با پایبندی به قناعت (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۴۴)<sup>۲</sup>، رعایت ارزش‌ها (مانده: ۸۸)<sup>۳</sup>، حلیت اموال مصرفی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵،

۱. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ».

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لِرَجُلٍ أَقْنَعُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ وَ لَا تَنْظُرُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِكَ وَ لَا تَتَمَنَّأَ مَا لَسْتَ نَائِلُهُ فَإِنَّهُ مَنْ قَنَعَ شَبِعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ».

۳. «وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ».

ص ۱۲۵) مصرف تعادلی و دوری از اسراف، اتراف، تبذیر و تقتیر (فرقان: ۶۷ / اسراء: ۱۶، ۲۶ و ۲۷)<sup>۲</sup> و در حوزه توزیع / انفاق با پایبندی به بایسته‌ها و نبایسته‌های انفاق یعنی رعایت اعتدال (فرقان: ۶۷)<sup>۳</sup> و رعایت کم (تأمین زندگی نیازمندان در حد کفاف) و کیف (بخشش از اموال مورد پسند، مرغوب، بدون اذیت، منت، ریا) (آل عمران: ۹۲ و بقره: ۲۶۴ و ۲۶۶)<sup>۴</sup> آن و نهایتاً در حوزه پس‌انداز / سرمایه‌گذاری با اجتناب از کنز (توبه: ۳۴)<sup>۵</sup> احتکار، ربا (بقره: ۲۷۵، ۲۷۶ و ۲۷۹)<sup>۶</sup> و نیز ریسک‌پذیری، تولید کالاهای مفید (غیر مضر)، استحکام در عمل (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۸۵)<sup>۷</sup> و ... محقق می‌گردد. لازمه تربیت توحیدی پایبندی به موارد فوق است که خود آثار و برکات فراوان اقتصادی را به همراه دارد؛ زیرا رعایت موارد فوق سبب اصلاح الگوی مصرف - در قالب استفاده بهینه و حفاظت از منابع و محیط زیست - می‌گردد؛ چون انسان تربیت‌یافته در مکتب اسلام خالق و مالک اصلی تمام منابع و مواهب را خداوند متعال می‌داند که چند روزی آن را به امانت نزد انسان سپرده است (نور: ۳۳)<sup>۸</sup> و او موظف است که بر اساس خواست امانت‌گذار آن را به کار گیرد. علاوه بر آن، رعایت معیارهای فوق، بهبود نظام توزیع و برقراری عدالت اقتصادی - از طریق فقرزدایی، کاهش فاصله طبقاتی و ... - و رونق تولید و اشتغال و نهایتاً پیشرفت و رونق اقتصاد را به همراه خواهد داشت.

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَايِبُ الْحَرَامُ».

۲. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا \* وَ لَا تَبَدَّرُ تَبَدِيرًا».

۳. «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا».

۴. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ... \* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى».

۵. «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ».

۶. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ».

۷. «قال رسول الله (ص): ... ولكن الله يحب عبدا إذا عمل عملا أحكم».

۸. «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ».

## ب) حضور زن در خانه مساوی کمک به اقتصاد خانواده

از منظر اسلامی، اساس ازدواج زن و مرد مسائل مادی - اقتصادی نیست و امر مهم و مقدس ازدواج و تشکیل خانواده حکمت‌ها و اهداف معنوی و والایی دارد که در بالا مطرح شد.

البته نقش زن در انجام امور منزل و خانه‌داری آنقدر وسیع است که محاسبه و ارزش‌گذاری تمام آن، غیرممکن یا دشوار است؛ مثلاً نقش «مادری» که مادر با فداکاری از جان و دل برای فرزند خویش عاشقانه مایه می‌گذارد را چگونه ممکن است به پول تبدیل نمود؟ یا چگونه می‌توان مهر، عطوفت و صفایی که از وجود مادر نصیب خانواده می‌گردد را ارزش‌گذاری مادی نمود؟

اما به هر حال، انجام امور داخلی منزل، استخدام عامل یا فردی را می‌طلبد که لازمه آن، تحمیل هزینه بر خانواده خواهد بود. همچنین، محافظت از خانه و اموال مشترک خانواده، محافظت از کودکان و تربیت آنان و ... از بارزترین فعالیت‌های زن است که هرچند در ظاهر غیراقتصادی است، ولی در واقع اقتصادی و مؤثر بر اقتصاد خانواده از طریق کم‌کردن هزینه‌های خانواده است. به نظر می‌رسد دلیل اینکه قرآن کریم (نور: ۳۲) و روایات معصومان علیهم‌السلام (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۴)<sup>۱</sup> تشکیل خانواده را موجب فقرزدایی و بهبود وضع اقتصادی می‌داند، همین جنبه است.

## ج) بهبود وضعیت اقتصادی و فقرزدایی

قرآن کریم برای تشویق جوانان به ازدواج و نهراسیدن از مشکلات مالی یکی از راه‌های رسیدن به توانگری را تشکیل خانواده می‌داند؛ «و انکحوا ... إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۲)؛ بدین ترتیب، نه تنها مشکلات مالی نباید مانع ازدواج شود، بلکه با استمداد از «فضل الهی» می‌توان از ازدواج به عنوان وسیله‌ای برای بهبود اقتصادی بهره گرفت. استفاده از تعبیر «انکحوا» با اینکه ازدواج یک امر اختیاری است، به این معنا است که مقدمات ازدواج آنها را از طریق کمک‌های مالی، پیدا کردن همسر مناسب، پادرمیانی برای

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقُ لَكُمْ».

حل مشکلات و ... فراهم سازید. مفهوم آیه هرگونه قدمی و سخنی و درمی در این راه را شامل می‌شود (مکارم، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۴۵۷).

با تدبیر در آیه شریفه، این‌گونه استنباط می‌شود که فقر، نه‌تنها مانع ازدواج نیست، بلکه اقدام به ازدواج در صورت فقر می‌تواند سبب بی‌نیازی افراد گردد؛ زیرا خداوند، تأمین زندگی را وعده داده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۷۸).

برخی از مفسران دلیل فقرزدایی ازدواج را صراحت قول خداوند «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ» می‌دانند و معتقدند اطلاق آیه دلالت می‌کند بر عدم اشتراط تمکن از نفقه و کسوه خواه بالقوه و خواه بالفعل (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷۰).

روایات نیز ازدواج را وسیله بهبود روزی، جذب مال، توسعه رزق و ... می‌دانند. برخی از محدثین (کلینی) به دلیل کمیت قابل توجه این روایات، بابی تحت عنوان «ان التزویج یزید فی الرزق» را به این موضوع اختصاص داده است. به دلیل اینکه همه روایات در این مقال قابل طرح نیست تنها به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند گمان بد به خدا برده است؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «اگر آنها فقیر باشند خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۱).<sup>۱</sup>

همچنین از آن حضرت نقل شده است: مردی خدمت ایشان از تنگدستی شکایت نمود. فرمود: «ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شد» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۳).<sup>۲</sup>

ممکن است در نگاه اول مسئله فقرزدایی ازدواج - که متضمن مخارج است - کمی دور از ذهن باشد، اما از مجموع آموزه‌های اسلامی و برخی دستاوردهای بشری این‌گونه استنباط می‌گردد که ازدواج عامل کاهش فقر و توسعه رزق است؛ زیرا انسان تا زمانی که مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند؛ نه ابتکار، نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِیجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ ... يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَسَكَ إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ».



برای کسب درآمد مشروع بسیج می‌کند و نه به هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و بارورساختن آن می‌کوشد؛ اما بعد از ازدواج فرد خود را شدیداً مسئول حفظ همسر، آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می‌بیند؛ لذا تمام استعداد، ابتکار و توان خود را به کار می‌گیرد؛ برای حفظ درآمدهای خود، صرفه‌جویی و تلاش می‌کند و در مدت کوتاهی می‌تواند بر فقر چیره شود (مکارم، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۶۵). همچنین، بعد از ازدواج اعتبار و شخصیت اجتماعی انسان تقویت می‌گردد که در برخی موارد موقعیت اشتغال وی را فراهم می‌کند.

دیدگاه اندیشمندان علم اقتصاد نیز مؤید دیدگاه قرآن کریم بوده - هرچند قرآن کریم بی‌نیاز از این تأیید است - و آنان در پژوهش‌های میدانی‌شان به این پیامد اشاره کرده‌اند. تحقیقات و آمارها نشان می‌دهد که صرف‌نظر از تفاوت‌هایی مانند سن، تحصیلات، نژاد و ... مردان متأهل نوعاً درآمد بیشتری از مردان مجرد دارند. این یافته آن قدر محکم است که نامی نیز بر آن نهاده‌اند؛ «پاداش ازدواج مردان» (Male Marriage premium). دلیل آنکه مردان متأهل درآمد بیشتری از مردان مجرد دارند، تقسیم کار میان زوجین است. انجام کارهای خانگی توسط زن و کار بیرونی توسط مرد، به هر کدام این امکان را می‌دهد که بر کار مربوط به خود متمرکز و در آن کارا تر و متخصص‌تر شود و در نتیجه دستمزد بیشتری نیز دریافت کند؛ درحالی‌که افراد مجرد نمی‌توانند بدین شکل متخصص شوند؛ زیرا آنها باید وقتشان را میان کارهای خانگی و بیرونی تقسیم کنند. به این حالت، اثر بهره‌وری ازدواج می‌گویند (Marriage productivity effect). دلیل دیگر تأثیر انتخابی ازدواج (Marriage selectivity effect) است؛ یعنی مردان متأهل نسبت به مردان مجرد هم‌سن، هم‌تحصیلات و ... پرتلاش‌تر، مسئولیت‌پذیرتر، بااخلاق‌تر و ... در نتیجه، مولدتر و کارا تر هستند و این سبب افزایش درآمد آنان می‌گردد (هوفمن، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴).

#### د) افزایش امنیت اخلاقی / روانی جامعه

یکی از دلایل دخالت دولت در اقتصاد، موضوع آثار خارجی (Externality) یا کالاهای و خدمات عمومی (کالا و خدماتی که تمام مصرف‌کنندگان از آن استفاده می‌کنند ولی بازار آن را کمتر از نیاز جامعه عرضه می‌کند یا اصلاً آن را تولید نمی‌کند (پندیک، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰۵)) می‌باشد. کالاهای عمومی متصدی مشخصی ندارند؛ ولی اگر به هر شکل و

توسط هرکسی ایجاد شود، همه افراد جامعه متقاضی استفاده از آن هستند. مثل امنیت، پژوهش‌های بنیادی، راه‌سازی، مبارزه با فقر (تأمین اجتماعی) و ...

در بحث آثار خارجی، تولید یا مصرف برخی کالاها از سوی یک فرد خاص ممکن است ناخواسته، وضعیت افراد دیگر (غیر درگیر) را نیز متأثر (بهتر یا بدتر) کند؛ مانند مطلوبیتی که از گل‌کاری یک فرد یا ناکارایی خارجی یک ملک توسط مالک آن، نصیب رهگذران و همسایگان می‌گردد (اثر مثبت)؛ یا انتشار آلودگی از سوی یک کارخانه تولیدی که اطرافیان را متضرر می‌کند (اثر منفی) (توکلی، ۱۳۸۰، ص ۳۷).

به نظر می‌رسد ازدواج نیز از حیث آثار خارجی، شبیه خدمات عمومی است و آثار آن (آرامش، امنیت روحی و اخلاقی) عاید کل جامعه و سبب کاهش مفاسد اخلاقی می‌گردد؛ حال آنکه مجردماندن افراد نتیجه عکس دارد؛ لذا متون دینی تشکیل خانواده را موجب اصلاح خُلق (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۰۳)<sup>۱</sup> و عزوبت را مردود می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰، ص ۲۲۳)<sup>۲</sup>.

به هر حال، از دیدگاه اقتصادی خانواده دارای آثار جانبی مثبت فراوانی است. علاوه بر آنچه که در اقتصاد خانواده درباره تأثیرگذاری خانواده در صرفه‌جویی در هزینه‌ها، منافع تقسیم کار، افزایش رفاه ناشی از همکاری، مزایای تولید کالای خانگی و ... گفته می‌شود، خانواده از این نظر که محل پرورش انسان‌های تحول‌آفرین و مدیران کارآمد و انتقال ارزش‌هایی چون صداقت، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و ... به نسل‌های بعدی است، کارکردهای منحصر به فردی را در حفظ کارایی و سلامت اقتصاد ایفا می‌نماید که در غیاب آن هیچ نهاد دیگری قادر به ایفای چنین نقش‌هایی نخواهد بود. از این منظر استحکام خانواده و استواری آن در چارچوب ارزش‌های والای اجتماعی همانند معدن مطمئنی است که با تدارک مداوم مواد اولیه مرغوب، فرصت برنامه‌ریزی و دستیابی به افق‌های دوردست را برای متصدیان امر تولید فراهم می‌نماید. این در حالی است که کارکرد خانواده منحصر به موضوع اقتصاد نیست و کانون اصلی موضوعات مهم دیگری چون انسجام اجتماعی،

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تَزَوَّجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحَسِّنُ لَهُنَّ فِي أَخْلَاقِهِنَّ».

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «شِرَارُ أُمَّتِي عُزَابُهَا».

امنیت ملی، اتحاد سیاسی و ... نیز به همین امر بازگشت می‌نماید؛ ازاین‌رو جامعه‌شناس معروف معاصر گیدنز می‌گوید: «خانواده نقطه تلاقی روندهای گوناگونی است که بر کل جامعه تأثیر می‌گذارند» (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

ازاین‌رو حمایت از خانواده گرچه ممکن است در نگاه اول به منزله هزینه‌های اجتماعی تلقی شود، ولی اگر کارکردهای آن در زمینه محافظت از سالمندان و کودکان، حفظ بهداشت و آرامش روانی افراد، مراقبت از بیماران، پیشگیری از جرائم اجتماعی و مانند آنها را در نظر بگیریم، باید آن را نوعی سرمایه‌گذاری بدانیم که با تقویت آن بسیاری از هزینه‌های احتمالی و زمینه‌های نیاز به توزیع مجدد درآمد در آینده از میان خواهند رفت. با عنایت به نکات فوق باید گفت از منظر اقتصادی، تشکیل خانواده همانند آموزش و پرورش و بهداشت و درمان یک کالای عمومی ناخالص است که دخالت حمایتی دولت در آن دارای منطقی علمی نیز هست.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع مطالب این نوشتار به صورت ذیل می‌توان نتیجه‌گیری نمود:

۱. با توجه به تفاوت مبانی در دو مکتب اسلام و سرمایه‌داری، نگاه آن دو به مسائل خانواده نیز متفاوت است. اسلام، برخلاف نگاه صرفاً مادی نظام سرمایه‌داری بر اصالت امور معنوی در تشکیل خانواده تأکید می‌کند. در متون قرآن و حدیث گرچه پیامدها و دستاوردهای اقتصادی ازدواج مورد توجه قرار گرفته است، اما فلسفه تشکیل خانواده بر مبانی مهم‌تر و عمیق‌تری استوار است که تحلیل اقتصادی صرف از یافتن پاسخ کامل برای آن ناتوان است. اصلی‌ترین عامل ازدواج، انتخاب یک همراه برای ایجاد بستر مناسب به منظور تکامل معنوی و هموار نمودن مسیر دستیابی به مقام قرب الهی است که اهداف دیگر تربیتی، اقتصادی و ... در راستای آن معنا می‌یابند. به دلیل تفاوت نوع نگاه اسلام و سرمایه‌داری به ازدواج، کارکرد اقتصادی ازدواج نیز از منظر آن دو متفاوت است.

۲. نظام سرمایه‌داری با تمسک به مبانی مادی، نگاه اقتصادی به تشکیل خانواده دارد و با استفاده از نظریه رجحان‌ها معتقد است، افراد تنها زمانی ازدواج می‌کنند که منافع مادی و مطلوبیتشان افزایش یابد. این دیدگاه با محوریت حداکثرسازی منافع مادی، مواردی نظیر

کاهش ریسک، حل چالش اصیل - عامل، صرفه‌جویی به مقیاس، تخصصی‌سازی زوجین را از جمله مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده می‌داند.

۳. آموزه‌های اسلامی، امور معنوی (دین، اخلاق و ...) را در تشکیل خانواده اصل می‌داند و برجسته‌سازی امور مادی (مال، جمال ظاهری و ...) را مذموم می‌شمارد؛ زیرا نگاه مادی موجب تنزل جایگاه خانواده و بازداشتن آن از وظایف مهم‌تر می‌گردد؛ بنابراین گرچه کارکردهای اقتصادی مذکور در اقتصاد متعارف به عنوان آثار و پیامدهای ازدواج مورد پذیرش است، اما کارکرد اصلی تشکیل خانواده کارکرد تربیتی آن است که در حوزه اقتصاد از طریق تربیت نیروی متعهد انسانی، اصلاح رفتارهای اقتصادی، تأمین و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و افزایش امنیت اخلاقی - روانی جامعه منجر به بهبود وضعیت اقتصادی می‌گردد.

## منابع و مأخذ

\* قرآن کریم.

۱. ابراهیمی‌پور، قاسم؛ شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام؛ چ ۱، تهران: مرکز بررسی‌های ریاست جمهوری با همکاری پژوهشگاه المصطفی، ۱۳۹۱.
۲. استریناتی، دومینیک؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه؛ ترجمه ثریا پاک‌نژاد؛ چ ۵، تهران: گام نو، ۱۳۸۸.
۳. ایمانی، محسن؛ «تربیت اقتصادی در راستای تحقق تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی»؛ پیوند، ش ۳۹۰ و ۳۹۱، ۱۳۹۱.
۴. بافکار، حسین؛ «کانون مهر (ویژه روز خانواده)»؛ قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۰.
۵. بستان، حسین؛ اسلام و جامعه‌شناسی خانواده؛ چ ۱، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۶. بلاگ، مارک؛ روش‌شناسی علم اقتصاد؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ چ ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۷. بنگستون، ورن ل و دیگران؛ دایره المعارف خانواده؛ ترجمه عالیه شکرپیگی و شهلا مهرگانی؛ تهران: نشر جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲.
۸. بورک، رابرت اچ؛ در سراشیبی به سوی گومورا؛ ترجمه الهه هاشمی حائری؛ چ ۳، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۸۵.

۹. پایگاه اینترنتی تبیان؛ «ازدواج از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی اسلام»؛ ۱۳۸۲/۰۷/۲۵ (www.tebyn.Net).
۱۰. پندیک، رابرت اس و دانیل ال. رابینفیلد؛ اقتصاد خرد؛ ترجمه احمد ذیحجه‌زاده؛ تهران: سمت، ۱۳۸۲.
۱۱. توکلی، احمد؛ بازار- دولت، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها؛ تهران: سمت، ۱۳۸۰.
۱۲. چپرا، عمر؛ آینده علم اقتصاد؛ ترجمه احمد شعبانی؛ تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.
۱۳. حسینی جرجانی، سیدامیر ابوالفتوح؛ آیات الأحکام؛ ج ۲، تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ق.
۱۴. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۰، چ ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حکمت‌نیا، محمود؛ حقوق زن و خانواده؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۶. شریفی، احمدحسین؛ خوب چیست؟ بد کدام است؟؛ قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (عج)، ۱۳۸۸.
۱۷. شیخ طوسی، ابی‌جعفر محمد؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۸. شیخی، محمدتقی؛ جامعه‌شناسی زنان و خانواده؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
۱۹. صانعی، سیدمهدی؛ پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی؛ مشهد: سناباد، ۱۳۸۰.
۲۰. صدوق، محمد؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۱. \_\_\_\_\_؛ امالی صدوق؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۲۲. صمدی، منصور؛ رفتار مصرف‌کننده؛ ج ۲، تهران: آبیژ، ۱۳۸۶.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۴، چ ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
۲۴. طغیانی، مهدی و محمدهادی زاهدی وفا؛ «امکان بهره‌گیری از آثار تمدن اسلامی در طراحی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی فرهنگ اقتصادی»؛ معرفت اقتصاد اسلامی، س ۲، ش ۲، ۱۳۹۱.
۲۵. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج ۸، چ ۹، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۴.

۲۶. کاپلستون، فردریک؛ تاریخ فلسفه؛ ترجمه جلال‌الدین اعلم؛ تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
۲۷. کلینی، محمد؛ اصول کافی؛ ج ۵ و ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۸. کوئن، بروس؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ ج ۱۴، تهران: نشر توتیا، ۱۳۸۶.
۲۹. گروه مؤلفان و مترجمان؛ تحلیل اقتصادی حقوق خانواده؛ تهران: دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲.
۳۰. گیلدنز، انتونی؛ راه سوم؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ ج ۲، تهران: شیرازه، ۱۳۸۶.
۳۱. \_\_\_\_\_؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ ج ۱۸، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۳۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۰، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۳. مجمع علمی فرهنگی مجد؛ مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۴، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۷۷.
۳۴. محمص، مرضیه؛ «مبانی و مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده اسلامی»؛ پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی، ش ۱۰۳، ۱۳۹۳.
۳۵. مشیرزاده، حمیرا؛ از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم؛ ج ۴، تهران: شیرازه، ۱۳۸۸.
۳۶. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۳، ج ۶، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲ و ۱۴، ج ۶، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۳۸. مک گراو، فیل؛ روان‌شناسی خانواده موفق؛ ترجمه مهدی شریعت‌باقری؛ تهران: نشر دانش، ۱۳۸۸.
۳۹. موریس اچ. و او. فلیپس؛ تحلیل اقتصادی نظریه و کاربرد؛ ترجمه اکبر کمیجانی؛ ج ۱۰، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۴۰. موسوی، سیدحسن؛ مُد و مُدگرایی و جایگاه آن در سبک زندگی اسلامی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
۴۱. موسوی لاری، سیدمجتبی؛ اسلام و سیمای تمدن غرب؛ ج ۱۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱.

۴۲. نوری، حسین؛ مستدرک الوسایل؛ ج ۱۴، چ ۲، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

۴۳. واکر، اورویل سی و دیگران؛ استراتژی بازاریابی تصمیم محور؛ ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی؛ چ ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶.

۴۴. هدایت‌نیا، فرج‌الله؛ حقوق خانواده، چالش‌ها و راهکارها؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۵.

۴۵. هوفمن، سول و اورت سوزان؛ زنان و اقتصاد، خانواده، کار و درآمد؛ ترجمه محمود دانشور کاخکی و دیگران؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۰.

46. Agarwal, Bina; “Bargaining And Gender Relations: Within And Beyond The Household”; Institute of Economic Growth, University of Delhi, 1997.

47. Becker, Gary S.; “A Theory Of Marriage”; University of Chicago and National Bureau of Economic research, 1974.

48. \_\_\_\_\_; “The Economic Way of Looking at Life”; Nobel Lecture, Department of Economics, Chicago: University of Chicago, 1992.

49. Becker, Gary S., Kevin M, Robert Tamura; “Human Capital, Fertility, and Economic Growth”; **the journal of political Economy**, Vol.98, No.5, Part2, 1990.

50. Becker, Gray S., Robert J. Barro; “A Reformulation of the economic theory of fertility”; **Workingpaper**, No.1793, 1986.

51. Browning, Martin, Pierre-Andre Chiappori, Yoram Weiss; **Family Economics**; Oxford University, 2011.

52. Mattila-Wiro, Päivi; “Economic Theories of the Household: A Critical Review”; The United Nations University, **working papers**, No.159, 1999.